

«وطن امروز» از مهم‌ترین چالش‌ها و فرصت‌های پیش‌روی مجلس یازدهم گزارش می‌دهد

عبور از مجلس پاستوریزه



گروه سیاسی: مجلس یازدهم در شرایطی ویژه انتخاب شد و در شرایطی ویژه نیز کار خود را آغاز کرد. افزایش نابسامانی‌های اقتصادی، بالا گرفتن نارضایتی‌های عمومی و حداکثری شدن فشارهای خارجی مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده در ماه‌های منتهی به انتخابات اسفند ۹۸ بود. با این حال پایان انتخابات مجلس شورای اسلامی آغازی برای یک بحران جهانی به نام شیوع ویروس کرونا نیز به شمار می‌رفت؛ ویروس که عمده بخش‌های اقتصادی و ظرفیت‌های اجتماعی و فرهنگی جهان را تحت تأثیر قرار داد و در مدت زمانی کوتاه‌اترابت بلندمدت بر فضای بین‌المللی و اقتصادی حاکم کرد. با این حال رسالت مجلس یازدهم را در چنین شرایطی باید چگونه تعریف کرد؟ کاهش مشارکت سیاسی در انتخابات اسفندماه باید حامل چه پیامی برای بهارستان باشد؟ قوه مقننه در شرایطی که قوه مجریه آخرین سال زمامداری خود بر امور را تجربه می‌کند، باید چه مثنی و روگردی را در پیش گیرد؟ این سوالات را می‌توان مهم‌ترین چالش‌های مجلس یازدهم در آغاز به کار آن دانست؛ چالش‌هایی که نوع مواجهه با هر کدام از آنها می‌تواند مولد فرصت‌های جدیدی نیز به شمار رود. در همین زمینه رهبر حکیم انقلاب در بخشی از پیام خود به مناسبت آغاز به کار مجلس یازدهم پس از توصیه به همکاری نمایندگان با یکدیگر، درهم‌تنیدگی تجربه‌مجریان با شور و حرارت جوانان و نازده‌واردان، مسابقه در عمل با یکدیگر و نیکو و عدم مسابقه در احراز این یا آن جایگاه، موضع‌گیری‌های انقلابی در حوادث مهم جهانی و داخلی، اهتمام به مرکز پژوهش‌ها و دیوان محاسبات، صدور آرامش و اطمینان به افکار عمومی کشور در نطق‌ها، تعامل برادرانه با قوای مجریه و قضائیه، نسخ قوانین زائد و مزاحم و اجتناب از تکثر و تراکم قوانین، نامه‌نویسی برای اجرای این توصیه‌ها را افزایش میل عمومی برای حضور در انتخابات خواندند. با این اوصاف احیای اعتبار و جایگاه سیاسی قوه مقننه، تعامل مجلس با دولت، صورت مسأله وحدت سیاسی و مانور توانمندی را می‌توان مهم‌ترین چالش‌ها و فرصت‌های پیش‌روی مجلس یازدهم دانست.

احیای اعتبار و جایگاه سیاسی

«ها و کیل‌الدوله نیستیم، معاندالدوله هم نیستیم»، این بخشی از سخنان حجت‌الاسلام سیدرضا تقوی، رئیس سنی مجلس یازدهم در روز آغاز به کار آن بود؛ عبارتی که فراتر از تبیین یک مثنی نسبت به آینده، گویای موقعیتی بود که مجلس یازدهم کار خود را در آن آغاز کرده؛ موقعیتی که می‌توان آن را ماحصلی از مجلس دهم دانست. اما چرا مجلس دهم تبدیل به نمادی از یک مجلس ضعیف و تجربه‌ای در تضعیف اعتبار و جایگاه قوه مقننه شد؟

مجلس دهم در حالی کار خود را در سال ۹۵ آغاز کرد که مهم‌ترین کار ویژه خود را ایجاد همصدایی و حمایت حداکثری از دولت حسن روحانی تعریف کرده بود. دولتی که آن روزها شنیدن صدای منتقدان برجامی از صحن علنی مجلس برایش خوشایند نبود، آرزوهای خود را در مجلسی که مستقر شده بود پیدا می‌کرد و از همین جهت چشم امید زیادی به آن و از جمله «فراکسیون امید» به‌عنوان پایگاه حامیان خود در آن داشت. از همین رو گذشت مدت زمان کوتاهی کافی بود تا مشخص شود که مرکز ثقل هر م‌بهارستان جهانی به سمت پاستور دارد و جز معهود

صداهایی نادر، قرار نیست صدایی در مخالفت با دولت در آن بلند شود. گذر زمان و پیروزی مجدد حسن روحانی در دوازدهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری باعث شد تا او با آسودگی کامل در همراهی مجلس، نامطلوب‌ترین وزرا را به مجلس معرفی کند و در نهایت امر نیز آن وزرا بالاترین درصد رای موافق در آمار تمام دولت‌های بعد از انقلاب را از مجلس دریافت کنند. در این میان نطق فاطمه سلحشوری، از نمایندگان اصلاح‌طلب مجلس در دفاع از وزیر پیشنهادهی ورزش و جوانان که با تکیه کلام «یا این برای شما کافی نیست» مشهور شد، تبدیل به نمادی از مواجهه مجلس با وزرای پیشنهادهی روحانی برای دولت دوم او شد. اما این پایان کار نبود تا در نهایت امر و با عیان شدن ناکارآمدی دولت، شکست ایده‌های اجرایی آن و در راس آنها برجام و همچنین خوددگی و بی‌عملی مدیریتی که منجر به افزایش بی‌سابقه نارضایتی‌ها شد، نخستین نقطه‌ای که مورد غضب قرار گیرد مجلس دهم باشد. مجلسی که نمایندگانش روزی با افتخار دلیل روی کار آمدن خود را هموار ساختن قطار قوه مجریه در جاده قوه مقننه می‌دانستند، خیلی



زودتر از آنکه فکرش را بکند تمام اعتبار خود را در سایه عملکرد روحانی از دست داد تا پس از همراهی با دولت، هم‌سرنوشتی با آن را نیز تجربه کند.

با این حال اگرچه ضعف در انجام وظایف نظارتی قوه مقننه در مواجهه با قوه مجریه باعث ناامیدی عمومی نسبت به این قوه شد اما نمی‌توان چشم بر این امر بست که مجلس دهم در انجام وظیفه اصلی خود یعنی قانونگذاری نیز کارنامه موثقی از خود نشان نداد و در روزهایی که چشم امید خیلی‌ها به بهارستان دوخته شده بود تا

شاهد تصویب قوانینی بازراننده در برابر سوداگری‌های اقتصادی باشند، تنها خبری که منتشر شد حکایت از پیدا شدن رد پای ۲ نماینده در جریان اختلال در بازار خودرو داشت.

در کنار اینها مجموعه رفتارهایی که از نمایندگان مجلس دهم در حافظه جمعی مردم ثبت شد، بیشترین ضربه را به اعتبار اجتماعی قوه مقننه زد. تصویر سلفی تعدادی از نمایندگان اصلاح‌طلب با قدریکا موگرینی در حاشیه جلسه تحلیف حسن روحانی که از آن با عنوان «سلفی حقارت» یاد شد تبدیل به مهم‌ترین نماد تصویری به‌جا مانده از نمایندگان مجلس دهم شد. رو شدن پرونده حقوق‌های نجومی و متعاقبا سوءاستفاده فاطمه حسینی، نماینده اصلاح‌طلب تهران برای قرائت متنی از تریبون مجلس در حمایت از اقوام خود و مواردی از این دست باعث شد اعتبار اجتماعی مهم‌ترین رکن نظارتی کشور ضربه بخورد.

در دهه ۶۰ تا نام این اوصاف مجلس دهم در حالی ۳۱ اردیبهشت‌ماه به حیات خود پایان داد که میراث خوبی را از خود به جا گذاشت؛ مجلسی که احتمالا هیچ گروه و جناحی میلی به پذیرش مسؤلیت

آن نداشته باشد و حتی شاید از آن به‌عنوان آینه عبرتی یاد کنند که نباید به آن شباهت داشت.

نطق علی لاریجانی در آخرین روز کاری مجلس دهم مبتنی بر آنکه «طی ۴۰ سال گذشته هیچ یک از مجالس به این اندازه مورد توهین و هجوم قرار نگرفته بود نه تنها از سوی دشمنان که البته دشمنان باید دشمنی کنند، بلکه از سوی کسانی که انتظار می‌رفت حرمت قوه مقننه و نهاد مهمی را از نظام پاس بدارند» هرچند می‌تواند به‌عنوان یک عرف رایج در دفاع از عملکرد یک مجموعه در پایان دوره مسؤلیت آن تفسیر شود اما نمی‌تواند تغییری در عملکرد و میراثی که از مجلس دهم در فضای سیاسی کشور باقی ماند ایجاد کند؛ میراثی که نمایندگان مجلس یازدهم برای ترمیم آن نیازمند حرکت در مسیری متفاوت از مسیر خروجی‌های دوره گذشته بهارستان هستند. احیای جایگاه عالی برای قوه مقننه به عنوان مهم‌ترین نهاد نظارتی کشور و اعتباربخشی به آن مسأله‌ای است که می‌توان از آن به‌عنوان مهم‌ترین گام پیش‌روی ساکنان جدید بهارستان یاد کرد.

مجلس دولت‌ساز

قوه مقننه عالی‌ترین جایگاه را در میان نهادهای سیاسی کشور در نسبت با قوه مجریه دارد؛ نهادهای که از یکسو با وظایف نظارتی خود می‌توانند دولت را در عمده تصمیماتش مدیریت کنند و از سوی دیگر با استفاده از ابزار قانونگذاری جهت حرکت قطار دولت را تغییر دهد. در چنین شرایطی وجود یک مجلس قدرتمند که در آن همصدایی وجود داشته باشد می‌تواند به‌عنوان کلیدی‌ترین تضمین برای مهار و هدایت تصمیم‌های دولت شناخته شود. مجلس دهم همان‌طور که پیش از این نیز به آن اشاره شد نه‌تنها چنین کارویژه‌ای را برای خود قائل نبود که حتی تبدیل به ابزاری برای سرعت‌بخشی به هرگونه تصمیمی از سوی دولت شده بود. با این اوصاف و در سایه بالا گرفتن نارضایتی‌های عمومی که عمداً جنبه معیشتی و اقتصادی دارند، مجلس تازه‌ساز یازدهم کار خود را با سال آخر زمامداری دولت دوازدهم آغاز می‌کند. تبدیل شدن قوه مقننه به تریبون مطالبات عمومی و استفاده از ابزارهای قانونی آن برای کنترل و هدایت کلی سیاست‌های دولت روحانی

می‌تواند نقشی کلیدی در بهبود نسبی امور داشته باشد. تلاش روحانی برای کسب رضایت مجلس و از نصاب نیتانند تعداد وزرای تأیید شده او می‌تواند ابزاری مهم برای ساکنان خانه ملت در سال آخر دولت به شمار رود؛ امری که ممکن است تأثیر مطلوبیت آن بر انتخاب رئیس‌جمهور آینده نیز باعث شود یاران دولت تلاش خود را برای تضعیف جایگاه مجلس شورای اسلامی مضاعف کنند.

تجربه سلسله شکست‌های اصلاح‌طلبان در آغاز دهه ۸۰ که با دومین دوره انتخابات شش‌سوی شهر و هفتمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی همراه بود، می‌تواند مسبب همه‌های گسترده رسانه‌ها و فعالان این جریان سیاسی برای تضعیف جایگاه آن شود. با این حال مدیریت فضای کلی مجلس یازدهم در مواجهه با سال پایانی دولت و همچنین مقهور نشدن در برابر فشارهای سیاسی و رسانه‌ای هدمت‌ها، این مجلس می‌تواند ماموریت نخستین نمایندگان ملت برای عبور کشور از موقعیت فعلی به شمار رود.

چالش وحدت و همصدایی

کسب اکثریت قاطع کرسی‌های مجلس یازدهم از سوی نمایندگان جریان انقلابی باعث شد بحث و گمانه‌زنی‌ها پیرامون الگوی رفتار سیاسی برای این مجلس بالا بگیرد. فرض تقویت چالش‌های درون‌گروهی در سایه نبود قوی یکی از مهم‌ترین مباحثی بود که در هفته‌های اخیر به چشم آمد. در این میان دست‌های دیگر با تأکید بر این امر حیاتی که حفظ وحدت پرسوسلای طولانی‌مدت و فراتر از مصداق انتخابات است خواهان پررنگ نشدن رفتارهایی شدند که منافی وحدت باشد. در چنین فضایی حصول وحدت نهایی و رای قاطع نمایندگان مردم به رئیس جدید مجلس شورای اسلامی نشان از یک اقدام جمعی برای رساندن پیام همصدایی و وحدت ساکنان بهارستان به جامعه شد. به نظر می‌رسد حفظ این وحدت و پیش بردن آن برای تحقق بخشی به برنامه‌های بلندمدت مجلس یازدهم و در نهایت در مجلس دهم نیز رسیدن بخش قابل توجهی از کرسی‌ها به حامیان دولت حکایت از تغییر اراده عمومی به سمت همراهی با دولت و جلو رفتن ایده‌های همچون

اقناع عمومی و مانور توانمندی

مجلس دهگانه شورای اسلامی در شرایط خاصی روی کار آمد و با قضاوت‌های متفاوتی به کار خود پایان دادند. اگر مجلس اول نشانی از فضای گمانه‌زنی‌ها پیرامون آینده سیاسی جامعه ایران پس‌انقلابی بود، مجلس دوم را می‌توان به عنوان نماد تثبیت گفت‌وگو میان اسلام سیاسی دانست. اگر مجلس سوم تبدیل به نمادی از تسلط یافتن جریان چپ در دهه ۶۰ بود، مجلس چهارم را می‌توان نشانی از چرخش به راست دانست. مجلس پنجم به‌رغم قاطعیت نیروهای راست خبر از روی کار آمدن جریان تکنوکرات عرفی‌گرایی می‌داد که بعدها در مجلس ششم خود را بیش از پیش عینیت بخشید. مجالس هفتم تا نهم که قاطبه بدنه آنها را نیروهای اصولگرا تشکیل می‌دادند با همه حواشی متعددی که در مواجهه با ۳ دولت خاتمی، احمدی‌نژاد و روحانی از سر گذرانندند نشانی از انتخاب مسیر انقلابی‌گری از سوی مردم داشتند و در نهایت در مجلس دهم نیز رسیدن بخش قابل توجهی از کرسی‌ها به حامیان دولت حکایت از تغییر اراده عمومی به سمت همراهی با دولت و جلو رفتن ایده‌های همچون

سیاست خارجی دولت داشت.

با چنین عینکی مجلس یازدهم باید تصویرگر چه اراده و حرکتی باشد؟ کاهش محسوس مشارکت سیاسی در جریان انتخابات اسفندماه و گستردگی افعال و ناامیدی سیاسی در بخش‌های قابل توجهی از فضای اجتماعی حکایت از یک کار ویژه مهم برای ساکنان جدید بهارستان دارد. احیای جایگاه و اعتبار قوه مقننه از یکسو و از سوی دیگر ملموس ساختن طرح‌ها و قوانینی که می‌تواند آغازگر روند بهبود شرایط باشد، زمینه‌ساز تغییر نگاه عمومی به امر و کنش سیاسی مردم خواهد شد. اقناع عمومی مردم برای بازگشت به مشارکت سیاسی و تزیق امید به اصلاح وضعیت نامطلوب موجود را باید وظایف خارج از متن مجلس یازدهم دانست. مانور توانمندی ساکنان جدید بهارستان و تبدیل این قوه به بزرگ‌ترین تریبون عمومی مردم در ساختار قدرت نتایج بلندمدتی در عرصه سیاسی خواهد داشت که نخستین نتیجه آن را می‌توان احیای سرمایه اجتماعی نظام و تقویت مشارکت سیاسی برای بهبود اوضاع دانست.

یادداشت

یونس مولایی: مجلس شورای اسلامی وظیفه خطیرریل‌گذاری حرکت کشور شده است که هر کدام از آنها بر اساس یک نظام فکری و ذهنی تصمیم‌گیری می‌کنند و برآیند این تصمیمات جهت‌گیری مجلس و در نهایت کشور را مشخص می‌کند. لذا اگر بتوان مواقع تصمیم‌گیری صحیح نمایندگان را شناسایی کرد می‌توان در جهت اصلاح آن و در نتیجه بهبود عملکرد مجلس گام برداشت. وجود منافع و انگیزه‌های گوناگون در آسان‌ها امری طبیعی است و معمولاً افراد در زندگی خود به دنبال افزایش منافع شخصی جهت دستیابی به رفاه بیشتر هستند. این منافع و انگیزه‌های فردی به قدری گسترده است که گاه در تعارض با منافع جامعه قرار می‌گیرد. یکی از مخاطراتی که نمایندگان مجلس را تهدید می‌کند تعارض منافع است. منظور از تعارض منافع مجموعه‌ای از شرایط است که موجب می‌شود تصمیمات و اقدامات حرفه‌ای، تحت تأثیر یک منفعت ثانویه قرار گیرد. وجود تعارض منافع به معنای بروز فساد نیست اما می‌توان مدعی شد تعارض منافع زمینه‌ساز بروز فساد است. تعارض منافع موجود در مجلس شورای اسلامی در ۲ سطح فردی و ساختاری طبقه‌بندی می‌شود. تعارض منافع وکالی عضو کمیسیون حقوقی، اعضای هیأت‌مدیره کارخانجات صنعتی عضو کمیسیون صنایع و کارمندان وزارت نفت عضو کمیسیون انرژی نمونه‌هایی از تعارض منافع فردی نمایندگان است و مواردی نظیر نظارت نمایندگان بر خود یا تصویب قوانین مرتبط با انتخابات و این‌نامه داخلی مجلس و تعیین میزان دستمزد نمایندگان از نمونه‌های تعارض منافع ساختاری مجلس به‌شمار می‌روند. اما یکی از مهم‌ترین و شاخص‌ترین نمونه‌های تعارض منافع را می‌توان در کمیسیون بهداشت مجلس شورای اسلامی یافت. در ادامه به بیان تفصیلی تعارض منافع در این کمیسیون پرداخته و تأثیرات این معضل بر عملکرد آن نیز بیان خواهد شد.

تعارض منافع و مصلحت عمومی

در همین زمینه ۳ قانون که در دوره ۴ ساله فعالیت کمیسیون بهداشت و درمان مجلس دهم به تصویب رسید، عبار تند از: ۱- لایحه موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری آذربایجان راجع به همکاری در زمینه پیشگیری، محدودسازی و کاهش پیامدهای شرایط اضطراری ۲- لایحه موافقتنامه همکاری در زمینه پیشگیری و واکنش به شرایط اضطراری در دریای خزر ۳- طرح ممنوعیت تبلیغات و معرفی محصولات و خدمات غیرمجاز و آسیب‌رسان به سلامت در رسانه‌های ارتباط جمعی داخلی و بین‌المللی فضاهای مجازی. همانطور که مشاهده می‌شود قوانین مصوب کمیسیون بهداشت و درمان هیچ ارتباطی به معضلات اصلی نظام سلامت نداشته و در واقع کمیسیون مذکور ۴ سال ظرفیت تقنینی کشور را معطل گذاشت و از آن استفاده بهینه نکرده است. البته کمیسیون بهداشت و درمان نیز در زمینه بسیاری از مسائل نظام سلامت کشور توسعه ششم و قوانین دائمی بودجه‌های سالانه نیز اقداماتی را انجام داده است که برخی از آنها تأثیرات منفی را به همراه داشته است. به عنوان مثال می‌توان به تأثیر این کمیسیون بر قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه اشاره کرده به پیشنهاد این کمیسیون اداره امور دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی صرفاً در چارچوب مصوبات هیأت امنای آنها و بدون الزام به رعایت قوانین و مقررات عمومی حاکم بر دستگاه‌های اجرایی انجام خواهد شد. همچنین اعتبارات عمومی دولتی اختصاص یافته به دانشگاه‌ها به عنوان کمک و هزینه آنها بر اساس بودجه تفصیلی مصوب هیأت امنای آنها در نظر گرفته شده، بنابراین حسابرسی از آنها انجام نخواهد شد. این موضوع محل امنی را برای بروز فسادهای مالی در مراکز آموزش عالی و پژوهشی وزارت بهداشت فراهم کرده

منافع در نظام سلامت امکان‌پذیر نیست. از نکات جالب توجه درباره کمیسیون بهداشت مجلس ایران پزشک بودن اکثریت اعضای آن در ادوار مختلف است. با توجه به مسؤلیت‌های سنگین این کمیسیون در سیاست‌گذاری و نظارت بر اجرای قوانین در حوزه نظام سلامت که شامل موارد متعددی در زمینه‌های مالی، حقوقی، اجتماعی، مدیریتی و... است، جای خالی افرادی در تحصیلات و تجربیاتی مرتبط با مسائل فوق در این کمیسیون شدت احساس می‌شود. براساس اطلاعات گردآوری شده مرتبط با تحصیلات و تخصص اعضای این کمیسیون در مجلس دهم، مشخص است که از ۲۳ عضو این کمیسیون تنها یک عضو دکتری پرستاری و عضو هیأت علمی و یک عضو دیگر در رشته مدیریت و با سابقه فعالیت به‌عنوان معاونت مرکز حراست وزارت بهداشت و درمان حضور داشته و مابقی اعضا، پزشک بوده‌اند. سطره همه‌جانبه پزشکان بر کمیسیون بهداشت و درمان در چند دوره اخیر مجلس شورای اسلامی منجر به کاهش کارایی این کمیسیون شده است. این سطره، کمیسیون بهداشت را به محلی برای یگیری مطالبات صغنی پزشکان بدل کرده است. بررسی تحصیلات اعضای کمیسیون اعضای این کمیسیون در مجلس دهم، مشخص است که از ۱۷ عضو کمیته امور اجتماعی و بهداشت، ۷ نفر تحصیلات رشته‌های علوم پزشکی دارند که از این میان ۳ پزشک، یک داروساز، یک پرستار، یک زیست‌شناس و یک نفر نیز دانش آموخته مراقبت‌های بهداشتی عضو آن هستند. اگر چه تحصیلات اکثر اعضای کمیسیون بهداشت مجلس کشورهای مختلف در زمینه‌های علوم انسانی از جمله اقتصاد، حقوق، مدیریت، آموزش و منابع انسانی، علوم سیاسی و اجتماعی و... است اما تجربیات و سوابق این اعضا در پست‌های مدیریتی و علمی حوزه سلامت است. بنابراین، به نظر می‌رسد نظام سلامت ایران به طور کلی از سابقه مدیریتی غیر پزشکان استقبال چندانی ندارد که نتیجه آن تشکیل کمیسیون‌های پزشک‌زده مجلس در ادوار مختلف است.